

کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه

جنبش کنترل کارگری :

موضع بلشویک‌ها و سایر احزاب سوسیالیست



شکوفادشتستانی

شراره‌گرمی

کهزاد معین

□ کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه

(جنبش کنترل کارگری: موضع بلشویک‌ها و سایر احزاب سوسیالیست)

□ مؤلفین: شکوفا دشتستانی - شراره گرامی - کهزاد معین

□ چاپ اول: سپتامبر ۱۹۹۶

□ ناشر: پژوهش کارگری

□ آدرس: Postfach 5311

30053 Hannover

Germany

توضیح ناشر

کتابی که پیش رو دارید کوششی است شایسته در راه شناخت مسائل جنبش کارگری روسیه و از این رهگذر به دست آوردن درکی ملموس تر و واقعی تر از موضوعات مربوط به سوسیالیسم. در مرکز توجه کتاب جنبش کمیته‌های کارخانه در انقلاب روسیه قرار دارد. در دوره فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ کمیته‌های کارخانه نیرومندترین و فعال‌ترین تشکیلات کارگری بودند و بیش از سایر تشکلهای قدرت بسیج توده‌ای داشتند. کمیته‌های کارخانه در درجه اول ارگان‌های کنترل تولید بودند و می‌کوشیدند اقتدار سرمایه را در

محیط‌های کار در هم بشکنند. آن‌ها در عین حال فعالیت‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی چشم‌گیری داشتند و در عرصه‌های گوناگون حیات سیاسی - اجتماعی طبقه کارگر دخالت می‌کردند. ترتیب دادن کلاس‌های سوادآموزی و برنامه‌های فرهنگی، بسیج توده‌ها تحت شعار "تمام قدرت به شوراها"، ایفای نقش تعیین‌کننده در ایجاد میل‌یشیای کارگری و شرکت فعال و مؤثر در انقلاب اکتبر گوشه‌هایی از اقدامات کمیته‌هاست.

این حقیقت تلخ که پس از گذشت هشت دهه از انقلاب روسیه هنوز حتی یک کار تحقیقی موشکافانه و عمیق به زبان فارسی در باره تاریخ کمیته‌های کارخانه وجود ندارد، به تنهایی می‌توانست دلیل قانع‌کننده‌ای برای ضرورت انتشار اثر حاضر باشد. اما خواننده در هنگام مطالعه کتاب متوجه خواهد شد که موضوع آن از یک پژوهش تاریخی فراتر می‌رود. نویسندگان این اثر کوشیده‌اند با کنکاش در یکی از غنی‌ترین تجارب جنبش کارگری، آموزش‌های آن را به مسائل تئوری انقلاب کارگری و شالوده‌نظری مبارزه در راه جامعه‌ای آزاد و برابر - جامعه‌ای کمونیستی - مرتبط سازند.

می‌توان مطلب را از زاویه دیگری نیز توضیح داد: در عام‌ترین سطح هر گونه بحث تئوریک در باره انقلاب سوسیالیستی و پی‌ریختن اقتصاد سوسیالیستی باید متکی باشد بر نقد مناسبات سرمایه‌داری از یک سو و تحلیل تاریخ غنی مبارزات کارگری و چگونگی سازمان‌یابی طبقه کارگر به‌ویژه در دوره‌های انقلابی از سوی دیگر. در این راستا طبعاً بررسی تلاش‌های نظری و عملی کارگران برای فراتر رفتن از مناسبات سرمایه‌داری و نحوه سازمان‌یابی طبقه کارگر در انقلاب روسیه جایگاه مهمی دارد. برای این اثر، اهمیت بررسی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نیز بر همین مبناست. مؤلفین آن بحث‌های نظری خود در باره انقلاب سوسیالیستی را نه بر پایه "ایده‌ها و

اصولی که یک مصلح جهان کشف و یا اختراع کرده باشد" (مانیفست حزب کمونیست، بخش دوم) بلکه متکی بر تجارب یکی از مهم‌ترین جنبش‌های کارگری کرده‌اند.

ظاهراً تمام کمونیست‌ها عبارت مشهور اساسنامه بین‌الملل اول را می‌پذیرند که: "رهایی طبقه کارگر فقط می‌تواند به دست خود طبقه کارگر صورت گیرد." با این وجود به ندرت در مفهوم این عبارت مذاقه می‌شود؛ و باز هم کمتر آن را پایه و اساس تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی قرار می‌دهند. به همین سبب نیز می‌بینیم که اکثریت قریب به اتفاق تاریخ‌نگاران مدعی کمونیسم مبنای پژوهش‌های خود در باره انقلاب روسیه را نه عملکرد، میزان آگاهی و درجه سازمان‌یابی طبقه کارگر بلکه پراتیک این یا آن حزب و شخصیت قرار داده‌اند. اما نویسندگان کتاب حاضر راه دیگری پیموده‌اند. آنان آگاهانه کوشیده‌اند استنتاجات سیاسی - نظری خود را بر اساس موقعیت عینی و ذهنی طبقه کارگر روسیه - به‌ویژه مبارزترین تشکلهای آن - استوار سازند. خواننده تیزبین به پیوند درونی بحث‌های نظری کتاب (تزریق آگاهی از خارج، ویژگی‌های کنترل و مدیریت کارگری و ...) با واقعیت‌های زنده مبارزه طبقه کارگر به طور عام و مبارزه کارگران روسیه در جریان یردامنه‌ترین انقلاب قرن بیستم به طور خاص، پی می‌برد.

بخش‌های مهمی از کتاب به بررسی انتقادی پراتیک و تئوری لنین و بلشویک‌ها اختصاص دارد. در جنبش چپ ایران - به‌ویژه در سال‌های اول پس از انقلاب ۵۷ - از لنین و بلشویک‌ها اسطوره‌های خطاناپذیری ساخته شد. "لنینیسم" مدت‌ها "مارکسیسم عصر امپریالیسم" تعریف می‌شد و تمام گرایش‌های کمونیستی دیگر انحراف از "مارکسیسم - لنینیسم" و انعکاسی از ایدئولوژی بورژوائی تلقی می‌گردیدند. اما پس از فرو ریختن بلوک شرق

نظریه پردازان غرب موج جدیدی از حملات کور و حقیرانه علیه بلشویک‌ها و لنین به پا کردند. بخشی از "روشنفکران" وطنی نیز که معمولاً عقایدشان منطبق است با نظرات "مد روز" و یا آخرین مقاله‌ای که خوانده‌اند، اسیر این موج جدید شدند. این بار به بهانه "نواندیشی" از بلشویک‌ها یک ضد اسطوره ساختند که گویا همه چیزشان مایه شر و بلاست.

شیوه برخورد کتاب حاضر به بلشویک‌ها از هر دو نوع برخوردهای بالا متمایز است. در این جا نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران و تشکل‌های توده‌ای آنان اصل گرفته شده و درجه نزدیکی یا دوری احزاب - از جمله بلشویک‌ها - نسبت به آن نیازها بررسی می‌گردد. با این شیوه احزاب و شخصیت‌های سیاسی در مکان واقعی خویش قرار می‌گیرند و در باره نقش آنان مبالغه نمی‌شود.

و اما تاریخ کمیته‌های کارخانه روسیه برای نسلی از فعالین کارگری ایران که از نزدیک در جریان فعالیت شوراهای کارگری ایران بودند نیز می‌تواند بسیار جالب و آموزنده باشد. یکی از ضعف‌های کارگران ایران و حتی پیشروان کارگری این بوده و هست که کمتر شناختی از مبارزات کارگران سایر کشورها و اشکال تشکلیابی آن‌ها دارند. حال آن که تجارب تشکل‌های گوناگون کارگری در نقاط دیگر جهان سرچشمه گرانبهایی است از درس‌ها و آموزش‌ها. در این میان - تا آن جا که به شوراهای ایران باز می‌گردد - کمیته‌های کارخانه روسیه مکان ویژه‌ای دارند. زیرا اولاً این تشکل‌ها در دل پردامنه‌ترین و گسترده‌ترین انقلاب قرن حاضر نشو و نما یافتند و فعالیت‌شان از جنبه‌های گوناگون از تشکل‌های مشابه در کشورهای دیگر رادیکال‌تر و غنی‌تر بود. ثانیاً کمیته‌های کارخانه روسیه و شوراهای کارگری ایران - دست‌کم تا چند ماه پس از سرنگونی سلطنت - از لحاظ مضمون

فعالیت در یک مقوله قرار می‌گیرند. * و مابین تشکلهای مذکور شباهت‌های زیادی می‌توان یافت: هم کمیته‌های کارخانه روسیه و هم شوراهای کارگری ایران در یک دوره انقلابی و از دل مبارزات خودجوش کارگران پدید آمدند؛ هر دو بر بستر تحول فکری کارگران به وجود آمدند و تشکلهایی بودند که برخلاف اتحادیه‌ها با نیازهای جدید مبارزه طبقاتی سازگار بودند؛ فعالیت هر دو در محیط‌های کار طیف متنوعی از مطالبات کارگری (از خواسته‌های اقتصادی و مبارزه علیه فعال‌میشایی مدیران و نظام سلسله‌مراتبی در کارخانه‌ها گرفته تا امر استخدام و اخراج، کنترل بر تولید و دفاتر مالی) را در بر می‌گرفت و غیره. در عین حال در پرتو اطلاعات و فاکت‌های تاریخی کتاب و تصویر زنده‌ای که نویسندگان در برابر ما می‌گذارند، بهتر متوجه می‌شویم که جنبش کمیته‌های کارخانه روسیه به مراتب پربارتر از شوراهای کارگری ایران بود. مطالعه تاریخ کمیته‌های به ما کمک می‌کند ضعف‌های شوراهای ایران را بهتر بشناسیم و بتوانیم در تحولات انقلابی آینده با دیدی بازتر و تجاربی غنی‌تر شرکت کنیم.

از جنبه دیگری نیز موضوع کتاب اهمیت دارد: در سال‌های اخیر بحث تشکلهای مستقل کارگری و ویژگی‌های آنها در بین بخشی از فعالین کارگری و جریانات چپ در داخل و خارج از کشور مطرح شده است. با این حال تا آن‌جا که به نیروهای چپ مربوط می‌شود؛ بحث‌ها تا حدود زیادی انتزاعی و بی‌روح باقی مانده است. به تشکل مستقل کارگری به گونه‌ای ذهنی برخورد می‌شود. عده‌ای می‌گویند "خصوصیاتی" برای تشکل مورد نظرشان

* - بدیهی است که عملکرد کمیته‌های کارخانه روسیه و شوراهای ایران در کارخانجات مختلف این دو کشور متفاوت بود. به علاوه در مورد ایران آمار و اطلاعات دقیقی در باره چند و چون فعالیت شوراهای در مقیاس کل کشور در دست نیست. با این وجود می‌توان گرایش غالب در عملکرد دو تشکل مذکور را - به خصوص در صنایع کلیدی - در نظر گرفت و با یکدیگر مقایسه نمود.

بشمارند، بدون آن که این خصوصیات از دل تجزیه و تحلیل مشخص مبارزه طبقاتی و تشکل‌های گوناگونی که جنبش کارگری تا کنون به خود دیده است، به دست آید. برای بیرون رفتن از این سترونی فکری، باید مستقیماً به پیش از یک و نیم قرن مبارزه کارگران رجوع کرد؛ روند پدیداری و نشو و نماي تشکل‌های مستقل (کمیته‌ها و کمیسیون‌های کارگری، شوراهای اتحادیه‌های کارگری و ...) را به دقت مطالعه نمود و سپس به تحلیل تئوریک مطلب پرداخت. در این ارتباط کنکاش در تاریخ کمیته‌های کارخانه روسیه - یعنی یکی از درخشان‌ترین و پربارترین تشکل‌های مستقل کارگری - بسیار آموزنده و راه‌گشا است.

در یک کلام موضوع این کتاب هم برای آگاهی ما از تاریخ یکی از مهمترین فرازهای جنبش کارگری و هم از جهت دامن زدن به بحث‌های مربوط به مسایل نظری سوسیالیسم حائز اهمیت است.

۲۵ اوت ۱۹۹۶

فهرست

پیشگفتار.....	۱
اشاراتی به روش تحقیق و محدودیت‌های کار ما.....	۱۰
چند نکته فنی.....	۱۲

فصل اول

نگاهی اجمالی به تاریخ جنبش کارگری روسیه تا انقلاب فوریه.....	۱۵
وضعیت و مبارزه کارگران در سده ۱۸ و ۱۹.....	۱۶
اصلاحات ۱۸۶۱.....	۱۹
اشکال تشکلی کارگران از ۱۸۶۱ تا ۱۹۰۰.....	۲۳
سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵.....	۲۵
انقلاب ۱۹۰۵.....	۲۹
۱- شورای نمایندگان یک رشته صنعتی.....	۳۳
۲- شورای نمایندگان کارگران کل کارخانه‌های شهر و یا منطقه.....	۳۴
سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۶.....	۳۶
اعتصابات کارگری ۱۹۱۴-۱۹۰۵.....	۳۸

جنبش کارگری در زمان جنگ جهانی اول	۴۲
-----------------------------------	----

فصل دوم (ماه فوریه)

انقلاب فوریه	۴۹
اشاره‌ای به چگونگی تشکیل شوراهای ۱۹۱۷	۵۶
نکاتی درباره تفاوت شوراهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷	۵۷

فصل سوم (ماه مارس)

شکل جدیدی از سازمان‌یابی کارگری	۶۷
کمیته‌ها در سراسر روسیه تشکیل می‌شوند	۷۳
اولین رودرویی کمیته‌های کارخانه با دو مرکز قدرت	۷۵
عملکرد کمیته‌های کارخانه در نخستین ماه پدیداری‌شان	۷۹

فصل چهارم (ماه آوریل)

مبارزه بر سر حدود اختیارات و وظایف کمیته‌های کارخانه	۸۵
کنفرانس کارخانه‌های صنایع جنگی پتروگراد	۸۷
نکاتی پیرامون حق مشارکت و نظارت کارکنان در قوانین آلمان	۸۹
بازگشت لنین و ترهای آوریل	۹۶
استعفای میلیوکوف	۹۹
به کارخانه‌ها بازگردیم	۱۰۰
ابلاغیه دولتی در باره کمیته‌های کارخانه	۱۰۳
آگاهی نوین - اندیشیدن به جامعه جدید	۱۰۵
نگاهی به نظریه تزریق آگاهی از خارج	۱۰۶

فصل پنجم (ماه مه)

۱۱۵	کمیته‌های کارخانه در ماه مه
۱۲۴	سیاست اقتصادی
۱۲۹	کنترل کارگری پاسخ کارگران بود، احزاب چه می‌گفتند؟
۱۲۹	الف) منشویک‌ها
۱۳۰	ب) سوسیال رولوسیونرها (اس - ارها)
۱۳۱	ج) آنارکوسندیکالیست‌ها و آنارشیت‌ها
۱۳۶	د) بلشویک‌ها
۱۴۰	رابطه اتحادیه‌های کارگری و کمیته‌های کارخانه
۱۴۳	اولین کنفرانس کمیته‌های کارخانه پتروگراد (۳۰ مه - ۵ ژوئن)
۱۵۲	موضع رسمی بلشویک‌ها در کنفرانس در باره کنترل کارگری
۱۶۱	تشکیل شورای مرکزی کمیته‌های کارخانه

فصل ششم (ماه ژوئن)

۱۶۳	کمیته‌های کارخانه و قدرت سیاسی
۱۶۵	حرکت خودجوش توده‌ها اوج می‌گیرد
۱۶۹	قدرت دوگانه در کارخانه‌ها
۱۷۹	کنترل بدون کمیته‌های کارخانه؟!
۱۸۱	کنفرانس اتحادیه‌های کارگری روسیه
۱۸۲	الف - ترکیب نمایندگان در کنفرانس
۱۸۶	ب - مواضع اقتصادی بلشویک‌ها و منشویک‌ها در کنفرانس
۱۹۱	ایجاد شورای مرکزی اتحادیه‌ها

فصل هفتم (ماه ژوئيه)

- ۱۹۳ جنبش ژوئيه
- ۲۰۰ تعرض به دستاوردهای کارگران
- ۲۰۳ واکنش تشکلات کارگری در مقابل سرکوب ژوئيه
- ۲۰۴ "زندگی نوین نمی خواهد منتظر بماند"
- ۲۰۶ چرخش بلشویک ها به سوی کمیته های کارخانه

فصل هشتم (ماه اوت)

- ۲۰۹ تقلا برای اعاده اقتدار
- ۲۱۵ کنفرانس مشاوره دولتی
- ۲۲۱ گاردهای سرخ
- ۲۳۰ دومین کنفرانس کمیته های کارخانه پتروگراد

فصل نهم (ماه سپتامبر)

- ۲۳۵ اعتصابات کارگری
- ۲۴۰ مبارزات کارگری در جنوب روسیه
- ۲۴۵ توسل به قانون برای مهار نمودن کمیته ها
- ۲۴۷ تعطیل کارخانه ها
- ۲۴۹ سومین کنفرانس کمیته های کارخانه پتروگراد
- ۲۵۱ کنفرانس دموکراتیک کشوری
- ۲۵۹ اشاره ای به نظر لنین در باره سرمایه داری دولتی و دستگاه اقتصاد بورژوازی
- ۲۷۵ تکرار یک توهّم: "ساختارهای ویژه سرمایه داری در خدمت بنای سوسیالیسم"

۲۷۸	کنترل کارگری
۲۸۲	"دولت پرولتری" لنین

فصل دهم (ماه اکتبر)

۲۸۵	پایان حیات حکومت موقت
۲۹۲	تدارک قیام مسلحانه
۳۰۰	اولین کنفرانس کمیته‌های کارخانه سراسر روسیه
۳۰۳	قطعه‌نامه کنفرانس
۳۰۸	نکاتی درباره قطعه‌نامه کمیته‌های کارخانه
۳۱۳	بلشویک‌ها به قدرت می‌رسند

فصل یازدهم

۳۲۱	پایان سخن
۳۲۲	درس‌هایی از مبارزه طبقاتی در روسیه: فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷
۳۲۵	نگاهی به جنبش کنترل کارگری در روسیه
۳۳۲	چند ویژگی کنترل و مدیریت کارگری
۳۳۵	الف) کنترل کارگری
۳۳۹	ب) مدیریت کارگری
۳۴۳	نگاهی به برخی مباحث جلد دوم کتاب

۳۴۴	ضمائم
۳۴۵	اسناد
۳۵۵	روزشمار انقلاب (فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷)

پیشگفتار

متلاشی شدن سیستم سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی و به طور کلی در بلوک شرق، علاقه تعداد زیادی را به کندوکاو در تاریخ روسیه جلب کرده است. بسیاری متقاعد شده‌اند که برای توضیح شکست تجربه روسیه باید در گام اول به تاریخ انقلاب در این کشور رجوع کرد؛ باید با کنار گذاشتن پیش‌داوری‌ها و تعصبات، به بررسی انتقادی این تاریخ پرداخت و آن را از نو شناخت. این راهی است بس دشوار و پرسنگلاخ اما به همان نسبت آموزنده و سرشار از درس‌های گرانبها.

اهمیت تحولاتی که در سال ۱۹۱۷ در روسیه رخ دادند، انکارناپذیر است. در تاریخ معاصر مشکل بتوان رویدادی را یافت که هم‌چون انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه، چه در خود این کشور و چه در سطح جهان، تأثیراتی چنین دامن‌دار و گسترده به جای گذاشته باشد. این انقلاب در ایران نیز اثرات اجتماعی - سیاسی شگرفی داشت و گرایش‌های فکری گوناگون از آن متأثر شدند.

به همان اندازه که انقلاب ۱۹۱۷ رویدادی عظیم بود، به همان درجه نیز قضاوت درباره آن موضوع بحث‌ها و مشاجرات فوق‌العاده وسیعی در سطح جهان بوده است. تاکنون ده‌ها و شاید صدها هزار کتاب در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است. کافیت اشاره کنیم که بنابر تخمین مورخ روسی جی. ان. گولیکوف (G. N. Golikov) یک قلم در روسیه و تنها در سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۹ حدود ۷۰۰۰ اثر درباره انقلاب ۱۹۱۷ به رشته تحریر درآمده و فقط در سال‌های ۱۹۵۸-۱۹۵۷، ۱۲۸ مجموعه اسناد منتشر شده که در آن‌ها ۲۲۰۰۰ سند برای اولین بار ارزیابی گردیده‌اند.^(۱)

بسیاری از گرایش‌های فکری تاریخ انقلاب روسیه را بنابه جهت‌گیری‌های سیاسی خویش تحریف کرده‌اند. به طریق اولی بحث بر سر این تاریخ و به‌ویژه نقش احزاب و شخصیت‌ها در آن به وسیله‌ای در مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک تبدیل شده است. در این جایی فایده نیست، نگاه‌گذاری به شیوه نگارش تاریخ انقلاب روسیه در خود این کشور و در غرب بیاندازیم.

در روسیه تنها در سال‌های اول پس از انقلاب تا اندازه‌ای امکان تبادل نظر دیدگاه‌های مختلف وجود داشت و تا حدودی انتشار پژوهش‌های تاریخی،

۱ - به نقل از

David Anin, Die russische Revolution von 1917 in Berichten ihrer Akteure, München, 1976, S. 20

زندگی‌نامه‌ها و خاطرات شاهدان عینی انقلاب آزادانه صورت می‌گرفت. آثار تاریخی «وی. ا. بیستریانسکی» (V. A. Bistryansky)، «وی. ا. کارپینسکی» (V. A. Karpinsky) و «وی. آی. نفسکی» (V. I. Nevsky)، مجموعه اسناد منتشره از سوی «ان. آودیف» (N. Awdeyev) و خاطرات «ا. جی. شلیاپنیکوف» (A. G. Shlyapnikov) در این دوره منتشر شدند. هم‌چنین کتاب «ا. ام. پانکراتوا» (A. M. Pankratova) درباره کمیته‌های کارخانه روسیه که یکی از منابع مورد استناد ماست، در همین دوره به چاپ رسید. غالب آثار این سال‌ها را طرفداران بلشویک‌ها نگاشته‌اند و طبیعتاً شیوه نگرش آنان به رویدادهای تاریخی به‌طور عام و نقش حزب بلشویک در انقلاب به‌طور خاص، بی‌طرفانه نبوده است. با این حال نوشته‌ها و قضاوت‌های تاریخی این دوره هنوز با جعل و تحریف آشکار تاریخ انقلاب در سال‌های بعد تفاوت دارد. داوید آنین درباره این دوره چنین قضاوت می‌کند: «تاریخ‌نگاران آن سال‌ها واقعیات را به‌طور یک‌جانبه توصیف می‌کردند، اما هنوز بحث می‌کردند و استدلال می‌آوردند. وضعیت در دو تا سه سال پس از مرگ لنین نیز به همین ترتیب بود. در این زمان فراکسیون‌ها، پلاتفرم‌ها و نگرش‌های گوناگون درباره حال، آینده و گذشته با یکدیگر رقابت و مبارزه می‌کردند اما هنوز در کنار هم وجود داشتند. تمام راز «آزادی عقیده» در سال‌های ۲۰، در همین هم‌زیستی و رقابت نهفته است.»^(۲)

اما پس از حذف گرایش‌های «چپ» و «راست» درون حزب بلشویک و تسلط کامل جناح استالین بر حزب، همان فضای محدود ده سال اول پس از انقلاب نیز از بین رفت. تجدید چاپ بسیاری از کتاب‌های تاریخی و خاطرات آن سال‌ها ممنوع شد. حتی کتاب مشهور جان رید به نام «ده روزی که دنیا را لرزاند» که مورد

تأیید لنین بود، جمع‌آوری شد و تا سال ۱۹۵۷ اجازه تجدید چاپ نیافت. شمار زیادی از تاریخ‌نگاران دوره پیش، یا قربانی تصفیه‌های دهه ۳۰ شدند (مثل شلیاپنیکوف) و یا به خدمت دستگاه سیاسی حاکم درآمدند (مانند پانکراتوا).

تاریخ‌نگاری دوره استالین خصلت فرمایشی و کلیشه‌ای پیدا کرد. بحث و استدلال جای خود را به نوعی تبلیغ و افشاگری سیاسی، توأم با توهین و بهتان به گرایش‌های مخالف داد. دست‌کاری تاریخ انقلاب وسیله‌ای شد برای معرفی کردن حزب بلشویک به عنوان رهبر بی‌چون و چرای طبقه کارگر؛ ابزاری شد در خدمت دروغ‌پردازی پیرامون نقش استالین و تحریف نقش مخالفین سیاسی او در درون حزب بلشویک. "تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی - دوره مختصر" که زیر نظر مستقیم استالین نوشته شده، نمونه آشنای این نوع تاریخ‌نویسی است. این اثر در سال ۱۹۳۸ چاپ شد و به زبان‌های مختلف ترجمه گردید.

پس از مرگ استالین هم وضع تاریخ‌نگاری در روسیه شوروی تفاوت کیفی نکرد. خصلت کلیشه‌ای، تکراری و فرمایشی آثار تاریخی هم‌چنان حفظ شد. همان‌طور که می‌دانیم، کمیت آثار تاریخی درباره انقلاب روسیه در این کشور فوق‌العاده زیاد بود. با این وجود کیفیت بررسی‌ها پایین و تنوع نظرات و دیدگاه‌های تاریخی بسیار کم بود. تا آن‌جا که حتی شخصی چون آی. آی. مینتس (I. I. Mints) - رئیس وقت بخش تاریخ آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی - در سال ۱۹۶۳ نوشت: "می‌توان به‌طور مشخص تصور کرد که اگر به جای ۲۰۰۰ [عنوان] کتاب تنها یک‌دهم آن، منتها با کیفیت بهتر و بدون تکرار آنچه قبلاً نوشته شده چاپ گردد؛ چقدر در کاغذ، وسایل و نیروها صرفه‌جویی می‌شود." (۳)

تاریخ‌نگاران غربی نسبت به همکاران روسی خود از آزادی بسیار بیشتری برخوردار بودند و به همین جهت نیز گوناگونی دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مربوط به انقلاب روسیه، در غرب بیشتر است. با این حال خود رویدادهای انقلابات فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ - به عنوان یک موضوع مستقل - به ندرت توسط مورخین غربی بررسی شده است. مورخین نام‌داری چون «ای. اچ. کار»، «ال. شاپیرو» و «آر. وی. دانیلز» مرکز ثقل کار خود را بررسی اوضاع عمومی سیاسی - اقتصادی در روسیه و تاریخ حزب بلشویک در سال‌های پس از انقلاب قرار داده‌اند و نه توصیف و تحلیل خود انقلاب‌های روسیه.^(۴) برای مثال در اثر سه جلدی «ای. اچ. کار» به نام «انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷-۱۹۲۳» تنها یک فصل ۲۵ صفحه‌ای با عنوان «از فوریه تا اکتبر» در ارتباط با حوادث انقلابی سال ۱۹۱۷ وجود دارد. تازه بخش اعظم این فصل نیز درباره رخ‌دادهایی است که به گونه‌ای به حزب بلشویک مربوط می‌شود.

از سوی دیگر بخش بزرگی از آثار تاریخ‌نگاران غربی، رساله‌های ایدئولوژیک و محصول دوره «جنگ سرد» هستند که ارزش علمی ندارند و طرف مقابل تاریخ‌نگاری فرمایشی در بلوک شرق می‌باشند. به طور کلی گرایش غالب تاریخ‌نویسی در روسیه و در غرب از نظر متدولوژیک در نکاتی مشترک هستند. هر دو درباره نقش شخصیت‌ها و به‌ویژه حزب بلشویک در رویدادهای انقلابی

۴ - رجوع شده به کتاب‌های روسی.

Edward Hallett Carr, The Bolshevik Revolution 1917-1923, 3 Bde, London, 1950-1953

اثر فوق با عنوان «تاریخ روسیه شوروی - انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷-۱۹۲۳» توسط آقای زحیف درباندی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۱ در تهران به چاپ رسیده است.

Leonard Schapiro, Die Geschichte der Kommunistischen Partei der Sowjetunion, Berlin, 1962

Robert Vincent Daniels, Das Gewissen der Revolution, Köln/Berlin, 1962

سال ۱۹۱۷ مبالغه می‌کنند و تصویر روشنی از وضع زندگی، خواسته‌ها، مبارزات و تشکلهای توده مردم به دست نمی‌دهند. از زاویه نگرش این نوع تاریخ‌نویسی، توده مردم معمولاً زائده‌ای از احزاب سیاسی هستند و تنها در حاشیه مورد نظر قرار می‌گیرند؛ درباره تشکلهایی که توسط خود کارگران به وجود آمده‌اند و ابتکارات و عملکردهای آنها یا به کلی سکوت می‌گردد و یا این ابتکارات به حساب این یا آن حزب و جریان سیاسی گذاشته می‌شود. بدین ترتیب تصویر واژگونه‌ای از رویدادهای انقلاب به دست داده می‌شود. این در حالیست که حتی بسیاری از نمایندگان طبقات دارا در روسیه که شخصاً در حوادث سال ۱۹۱۷ شرکت داشته‌اند، به نقش بسیار مهم توده مردم در انقلاب اعتراف کرده‌اند.^(۵)

درواقع این توده مردم - به‌ویژه کارگران - بودند که انقلاب روسیه را شروع کردند و به پیش بردند. احزاب سیاسی و شخصیت‌ها تا آن‌جا نزد کارگران،

۵. به‌عنوان نمونه نخست‌وزیر اولین کابینه حکومت موقت به نام جی. ای. لوف (G. E. Lvov) در اوایل مارس ۱۹۱۷ گفت: "حوادث توسط روانشناسی توده‌ها و نه توسط اراده حکومت موقت رقم می‌خورند."

آلساندر اف. کرنسکی (A. F. Kerensky) - نخست‌وزیر آخرین حکومت موقت ائتلافی - نیز در صفحه ۲۴۱ کتاب خاطرات خود در توصیف شرکت فعال توده مردم در مسائل سیاسی می‌نویسد: "با سرنگونی سلطنت ساخت اجتماعی کشور به نحو ناشناخته‌ای دگرگون شد. اکثریت بزرگ اهالی که قبلاً از هرگونه شرکت در حکومت کشور منع شده بود، ناگهان در خط مقدم زندگی سیاسی قرار گرفت. هم‌زمان قشر متوسط که تا به حال نقش مثبت و فعالی در حیات سیاسی و اقتصادی کشور ایفاء کرده بود، به عقب صحنه رفت. درحالی‌که اشراف زمین‌دار که تا رژیم سابقه چنان رابطه تنگاتنگی داشتند، کاملاً از صحنه ناپدید شدند."

هم‌چنین پاول ان. میلیوکوف (P. N. Milyukov) - یکی از برجسته‌ترین سیاست‌مداران بورژوازی روسیه و وزیر خارجه در اولین کابینه حکومت موقت - در سال ۱۹۲۱ ویژگی خود خویش روندهای انقلابی را تذکر داد و خواستار اصلاح نگرشی شد که برای توده‌ها نقش منفعلی قائل می‌شود. مورد اخیر از منبع زیر نقل شده است:

Richard Lorenz (Hg.), Die russische Revolution 1917 - Der Aufstand der Arbeiter, Bauern und Soldaten: Eine Dokumentation, München, 1981

دهقانان و سربازان پذیرفته می‌شدند و مقبول می‌افتادند که خواسته‌های آنان را بیان می‌کردند و در جهت آن خواسته‌ها مبارزه می‌نمودند و یا دست‌کم وانمود می‌کردند که چنین می‌کنند. از این‌رو نقطه عزیمت محقق انقلاب روسیه باید چگونگی رفتار و مبارزه توده مردم باشد و بر بستر این تحلیل، به فعالیت‌های احزاب و شخصیت‌های سیاسی بپردازد. در صورتی که اکثریت قاطع تاریخ‌نگاران غرب و شرق راه عکس را پیموده‌اند. آنان رویدادهای انقلاب روسیه را محصول تصمیمات و "گزینش‌های" حزب بلشویک دانسته و این حزب را تبدیل به خالق کرده‌اند که گویا مسئول تمام موفقیت‌ها و یا ناکامی‌های انقلاب است.

برداشت غلط از تاریخ انقلاب روسیه تا آن‌جا رواج دارد که دبلیو. لاکوور - یکی از مورخین انقلاب روسیه - در سال ۱۹۶۷ می‌نویسد: "تاریخ توده‌ها در انقلاب روسیه باید تازه نگاشته شود."^(۶) ریچارد لورنس - از صاحب‌نظران تاریخ روسیه و نویسنده و ناشر آثار جالب توجهی در این زمینه - نیز در سال ۱۹۸۱ نظر لاکوور را تأیید می‌نماید.^(۷)

۶ به نقل از

W. Laqueur, Mythos der Revolution: Deutungen und Fehldentungen der Sowjetgeschichte, Frankfurt, 1967, S. 54

۷. جمع شود به پیشگفتار ریچارد لورنس بر کتاب معرفی شده در زیرنویس شماره ۵. ناگفته نماند که در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تنی چند از مورخین شوروی، تلاش‌هایی جهت بررسی فعالیت‌های تشکلی کارگران در انقلاب روسیه نمودند اما این کارها چنان نادر به دند که به نظر نمی‌رسد بتوان بر پایه‌شان نظر لاکوور را رد کرد. البته نظر این مورخ دست‌کم در زمان حیاتش تا حدود زیادی مبالغه‌آمیز است. به ویژه آن‌که در سال‌های ۷۰ و ۸۰ آثار بالرزشی درباره تشکلی‌های کارگران، سربازان و دهقانان (شماره‌های نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان، اتحادیه‌ها، کسبه‌های کارخانه و...) و شرایط زیست و مبارزه توده مردم منتشر شد. با این وجود حجم مطالبی که در تمهیدات عمده‌کرد احزاب و شخصیت‌های معروف زمان انقلاب به‌شماره شده در (ادامه یادکرد در صفحه بعد)

گفته لاکوور درباره آثاری که به فارسی نوشته و ترجمه شده‌اند، به مراتب بیشتر صدق می‌کند. سالیان سال تنها کتاب مورد استفاده خوانندگان فارسی زبان درباره انقلاب روسیه "تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی - دوره مختصر" بود. این کتاب همان‌گونه که پیش‌تر ذکر آن رفت، نمونه بارزی است از مسخ و تحریف تاریخ بنا بر امیال و مقاصد سیاسی. در سال‌های اخیر خوشبختانه آثاری درباره انقلاب روسیه ترجمه شده‌اند که به علاقه‌مندان فرصت می‌دهند، با دیدگاه‌ها و تفسیرهای دیگری آشنا شوند. منتها خلایی که در بالا بدان اشاره شد، هنوز پر نشده است و هنوز هیچ اثر قابل اتکایی درباره "تاریخ توده‌ها در انقلاب روسیه" به فارسی وجود ندارد.

ما در پژوهش‌های مان متوجه این نقیصه شدیم. در عین حال می‌دانستیم که بررسی تاریخ انقلاب روسیه از دیدگاهی نوین - تحقیقی که نقطه عزیمت خود را حرکت اقشار و طبقات اجتماعی قرار دهد - کاری است بسیار دشوار و گسترده که از عهده تعدادی محدود خارج است. از اینرو تصمیم گرفتیم، دایره بررسی خود را محدود نماییم و پژوهش مان را روی یکی از مهم‌ترین تشکلات کارگری آن زمان یعنی کمیته‌های کارخانه متمرکز کنیم. ما به چند دلیل تاریخ کمیته‌های کارخانه را برگزیدیم:

اولاً هر تحلیل جامعه‌شناسانه از انقلاب روسیه باید طبقه کارگر - به‌ویژه کارگران صنعتی - این کشور را در مرکز توجه خویش قرار دهد. زیرا کارگران نقش تعیین‌کننده‌ای در آن انقلاب داشتند. در تاریخ معاصر مشکل بتوان فعالیت توده‌ای متحد و خودجوشی به قدرت‌مندی و اثربخشی فعالیت کارگران در

(ادامهٔ یادداشتی از صفحهٔ قبل)

برابر حجم پژوهش‌های مربوط به خواسته‌ها و مبارزات توده مردم، بررسی جامعه‌شناسانه از طبقات و اقشار مختلف در روسیه، شکل‌های کارگری و ... هم‌چون که می‌است در برابر کارگران.

انقلاب‌های فوری و اکتبر ۱۹۱۷ روسیه یافت. کارگران با انقلاب اکتبر حتی تا آن‌جا پیش رفتند که مسئله واژگونی سرمایه‌داری به مثابه یک نظام تولیدی را در برابر خود قرار دادند و کوشیدند با فعالیت‌های مستقل خویش، شرایط هستی‌شان را دگرگون کنند. این تلاش طبقه کارگر روسیه اگرچه به شکست انجامید، اما مهر و نشان خود را بر رویدادهای آن دوره به جا گذاشت. از اینرو ما نیز تصمیم گرفتیم موضوعی را برگزینیم که رابطه تنگاتنگ با طبقه کارگر روسیه داشته باشد. ثانیاً ما در مطالعات مان به این نتیجه رسیدیم که یکی از مهم‌ترین نکات آموزنده تاریخ انقلاب روسیه، تجربه و تلاش‌های کارگران برای دگرگونی مناسبات تولیدی و تغییر جایگاه انسان‌ها در تولید بوده است. نمود این تلاش‌ها خواست کنترل کارگری بود. جنبش کنترل کارگری از درون مبارزات خودجوش کارگران سربرآورد و احزاب سیاسی در پیدایش آن نقش تعیین‌کننده‌ای نداشتند. این جنبش در عین حال نشان‌دهنده تحولات عمیق فکری در بینش کارگران نسبت به خودشان و جایگاه‌شان در محیط کار و در جامعه بود. هر تحلیل جامعه‌شناسانه از انقلاب روسیه ناگزیر است به تفصیل به این جنبش بپردازد. ما می‌دانستیم که با انتخاب موضوع کمیته‌های کارخانه، در عین حال می‌توانیم به مسئله کنترل کارگری نیز بپردازیم؛ زیرا تاریخ کمیته‌های کارخانه و جنبش کنترل کارگری به یکدیگر گره خورده‌اند و پرداختن به یکی، بدون در نظر داشتن دیگری میسر نیست. و بالاخره ثالثاً کمیته‌های کارخانه در مرکز مبارزه طبقاتی برای تغییر بنیادین در وضعیت کارگران قرار داشتند. آن‌ها گام‌های بزرگی در جهت دگرگونی مناسبات سلطه‌گرانه تولید برداشتند و نیروی محرکه جنبش کنترل کارگری بودند. به علاوه فعالیت کمیته‌ها در عرصه‌های دیگر مبارزه کارگری (سیاسی، فرهنگی و نظامی) نیز در جریان بود. بنابراین هرچند عمر کمیته‌ها کوتاه بود و چند ماه پس از کسب قدرت توسط بلشویک‌ها از صحنه

خارج شدند، اما بررسی تاریخ آن‌ها برای آگاهی از مبارزات و ابتکارات خودجوش کارگران اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

اشاراتی به روش تحقیق و محدودیت‌های کار ما

طرح اولیه ما این بود که کل تجربه کمیته‌های کارخانه روسیه را در یک جلد بنویسیم. اما در طول مطالعه متوجه شدیم که اولاً فعالیت‌های کمیته‌های کارخانه چنان متنوع و گسترده بوده‌اند که باید با تفصیل بیشتری به آن‌ها پرداخت، و گرنه خواننده تصویر همه‌جانبه‌ای از موضوع به دست نمی‌آورد. ثانیاً اگرچه هدف ما توضیح تاریخ عمومی انقلاب روسیه نیست، اما عملکرد کمیته‌های کارخانه را نمی‌توان بدون توجه به رخ‌دادهای سیاسی و مبارزه اجتماعی حادی که در آن زمان در جریان بود، در نظر گرفت. به همین جهت لازم بود به رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوره نیز بیشتر از آن‌چه در ابتدا تصور می‌کردیم، پرداخت. در نتیجه قرار شد تاریخ کمیته‌های کارخانه را به دو دوره پیش و پس از انقلاب اکتبر تقسیم کنیم و به هر دوره در یک جلد بپردازیم. بنابراین کتاب حاضر بخش اول مطالعه‌ای است که با بررسی تاریخ کمیته‌های کارخانه بعد از انقلاب اکتبر دنبال خواهد شد.

جلد اول شامل ۱۱ فصل است. در فصل اول نگاه گذرایی به جنبش کارگری روسیه پیش از انقلاب فوریه می‌اندازیم. این کار برای آشنایی با پیشینه موضوع ضروری است. فصل دوم درباره انقلاب فوریه و تشکیل شورای پتروگراد در سال ۱۹۱۷ می‌باشد. در این فصل سعی شده مقایسه کوتاهی بین چگونگی تشکیل و بعضی ویژگی‌های شوراهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ پتروگراد بشود. هنگام مطالعه این قسمت باید به این نکته توجه داشت که قصد ما تنها اشاره به برخی از جنبه‌های بحث بوده است. بررسی تفصیلی این مسئله مطالعه جداگانه‌ای می‌طلبد.

و می‌تواند موضوع کتاب مستقلی باشد. فصل‌های سوم تا دهم به معرفی سیر تحول کمیته‌های کارخانه تا اکتبر ۱۹۱۷ اختصاص دارند. در این فصل‌ها کوشیده‌ایم تا آن‌جا که ممکن بوده، عملکرد کمیته‌ها را به دقت تعقیب نماییم و در این مورد تصویر زنده‌ای به خواننده ارائه دهیم. فصل ۱۱، پایان سخن، تأکیدی است بر برخی نکاتی که از نظر ما دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. در بخش ضمیمه کتاب نیز ترجمه سه سند و روزشمار انقلاب آمده است.

روش بررسی ما هم تاریخی و هم تحلیلی است. از نظر تاریخی کوشیده‌ایم روند رویدادهای مربوط به کمیته‌های کارخانه را ماه‌به‌ماه پی‌بگیریم توصیف جزءبه‌جزء این روند برای شناساندن جنبش کمیته‌های کارخانه لازم بود. از لحاظ تحلیلی بعضی مسائل را که به موضوع ما مربوط هستند، مورد توجه قرار داده‌ایم. در این ارتباط به‌خصوص به مواضع و نظریات حزب بلشویک و لنین پرداخته‌ایم. زیرا در بین جریانات سیاسی آن زمان، بلشویک‌ها بیشترین تأثیر را بر کمیته‌های کارخانه و بر کل روند انقلاب در روسیه گذاشتند و نقد نظریات و عملکرد آنان بسیار مهم است.

بررسی تاریخی - تحلیلی اگرچه مزیت‌های زیادی داشت، اما ما را با یک دشواری بزرگ روبه‌رو می‌ساخت. زیرا در هر فصل ناچار بودیم خودمان را محدود به همان مقطع زمانی کنیم و این امر موانعی را در وارد شدن به بحث تحلیلی و نظری پدید می‌آورد. به عنوان مثال هنگامی که می‌خواستیم به نظرات لنین در مورد دستگاه اقتصادی سرمایه‌داری، سرمایه‌داری دولتی و یا اقتصاد سوسیالیستی برخورد نماییم، ناگزیر بودیم برای رعایت چارچوب زمانی کتاب، به نوشته‌های لنین تا پیش از انقلاب اکتبر بسنده کنیم. زیرا در محدوده جلد اول بی‌گمان نادرست و زودرس بود، اگر به آثار او پس از قدرت‌گیری بلشویک‌ها اشاره می‌کردیم؛ به‌ویژه آن‌که این آثار را نیز باید در بطن رویدادهای پس از اکتبر

در نظر آورد. طبعاً اگر از لحاظ متد برخورد مجاز بودیم نوشته‌های بعدی لنین را نیز در تحلیل خود بیاوریم، می‌توانستیم نظرات او را به گونه روشن‌تر و با تکیه بر نقل قول‌های صریح‌تری نقد کنیم. به هر حال تا آن‌جا که چارچوب زمانی کتاب اجازه داده است، مسائلی را مطرح کرده‌ایم و بحث‌های نظری دامنه‌دارتر و جامع‌تر را به جلد دوم - پس از فراغت از بررسی تاریخ کمیته‌ها - حواله داده‌ایم. می‌توان گفت بزرگترین مشکل ما عدم آشنایی به زبان روسی بود. این کمبود ما را از مطالعه کوهی از اسناد و مدارک درباره کمیته‌های کارخانه محروم کرده و بی‌شک این مهمترین ضعف کتاب حاضر است. کوشیده‌ایم این نقیصه را با مطالعه منابع غیرروسی و استناد به آثار معتبری که نویسندگان‌شان یا خود روس بوده‌اند و یا به زبان روسی تسلط داشته‌اند، تا اندازه‌ای جبران نماییم. منابع ما - تا جایی که به تاریخ کمیته‌های کارخانه و غالب بحث‌های نظری مربوط می‌شود - در درجه اول به زبان آلمانی و سپس به انگلیسی بوده است. در پژوهش‌های تاریخ عمومی انقلاب روسیه و هم‌چنین موضع‌گیری‌های بلشویک‌ها و لنین، علاوه بر آثار آلمانی و انگلیسی، از منابع فارسی نیز سود جستیم.

ذکر یک نکته دیگر نیز بی‌فایده نیست: کتاب حاضر محصول هم‌فکری و هم‌یاری چندتن است. پیش‌نویس اولیه هر فصل بارها مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و با اطلاعات جدیدی که در روند چند سال پژوهش به دست آمده، کامل شده است. تا آن‌جا که ممکن بوده، تلاش کرده‌ایم دیدگاه‌ها و تحلیل‌های گوناگون را در نظر بگیریم. چشم و گوش‌مان را بر نظرات هیچ تاریخ‌نگار و اندیشمند جدی‌ای نبسته‌ایم. و بالاخره نه از کمیته‌های کارخانه و نه از طبقات، جربانات و شخصیت‌ها اسطوره نساخته‌ایم. کوشیده‌ایم واقعیت عملکرد آنان - قوت‌ها و ضعف‌های‌شان - را آن‌طور که بوده، بررسی کنیم. در عین حال به هیچ وجه ادعای کامل بودن تحقیقات‌مان را نداریم و بدیهیست که با روی باز از هر انتقاد

سازنده‌ای استقبال می‌کنیم.

چند نکته فنی

۱- به منظور رعایت یک سنت پسندیده پژوهشگری، سعی کرده‌ایم هر جا مستقیماً و یا حتی به طور غیرمستقیم از نوشته‌های دیگران روایت می‌کنیم، نام و نشان مأخذ را در پاورقی ذکر نماییم. این شیوه اگرچه خواننده موشکاف را به مشکل قطع پی‌درپی روند مطالعه و رجوع به پاورقی‌ها دچار می‌کند، اما تنها راه امانت‌داری و برخورد اصولی با آثار دیگران است. به علاوه می‌تواند کمکی باشد برای پژوهشگرانی که علاقه‌مند به تحقیق بیشتر درباره موضوع کتاب هستند. خوانندگانی که هدف‌شان آشنایی اولیه و عمومی با مطلب است، می‌توانند بدون توجه به پانویس‌ها، متن اصلی کتاب را دنبال کنند.

۲- مشخصات منابع استناد شده، اولین بار به صورت کامل و در مرتبه‌های بعدی به گونه کوتاه‌شده آمده است.

۳- تمام رویدادها را برحسب تقویم قدیم روسیه ذکر نموده‌ایم. تقویم قدیم که تا فوریه ۱۹۱۸ مرسوم بود، ۱۳ روز از تقویم غربی عقب‌تر می‌باشد. به عنوان مثال انقلاب فوریه بنا به تقویم غربی در مارس روی داده است و یا اول ماه مه مطابق با تقویم قدیم روسیه در ۱۸ آوریل جشن گرفته می‌شد.

۴- هر جا لازم تشخیص داده‌ایم، اسامی اشخاص را علاوه بر الفبای فارسی به انگلیسی و یا آلمانی نیز ذکر کرده‌ایم.

۵- مباحثی در کنار تاریخ کمیته‌های کارخانه مطرح شده‌اند. برای این گونه بحث‌ها فصل جداگانه‌ای اختصاص نداده‌ایم و آن‌ها را در فصل‌های کتاب ادغام کرده‌ایم.

جا دارد از همه دوستانی که چه با ترجمه متون و چه با معرفی و ارسال کتاب و مقالات، ما را در نوشتن این اثر یاری دادند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم.

بهمن ۱۳۷۴

فصل اول

نگاهی اجمالی به تاریخ جنبش کارگری روسیه تا انقلاب فوریه

کمیته‌های کارخانه پدیده نوظهوری بودند که در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه به وجود آمدند. عملکرد آنها بسیار متنوع بود، اما مهمترین جنبه از فعالیت آنها دخالت در عرصه تولید بود. کمیته‌های کارخانه سرمایه را در نقطه تولید زیر ضربه خود گرفتند، به طوری که جنبش کنترل کارگری در انقلاب روسیه با نام آنها گره خورده است.

کمیته‌های کارخانه چه به لحاظ گستره و چه به لحاظ ژرفای دخالت‌شان در عرصه تولید در چارچوب فعالیت و عملکرد تشکلهای پیشین کارگران روسیه نمی‌گنجیدند. با این حال طبیعی است که آنها بی‌ارتباط با سنن، تجارب، روش‌های مبارزاتی و دستاوردهای گذشته کارگران نیز نبودند. از اینرو برای درک بهتر کمیته‌های کارخانه، باید شناخت مختصری از فراز و نشیب‌های

جنبش کارگری روسیه داشته باشیم. فصل اول این کتاب را به همین موضوع اختصاص داده‌ایم. در این فصل نگاهی کوتاه به مهمترین مراحل، مقاطع و مطالبات جنبش کارگری روسیه از بدو پیدایش تا انقلاب فوریه ۱۹۱۷ می‌اندازیم.

وضعیت و مبارزه کارگران در سده ۱۸ و ۱۹

روند صنعتی شدن روسیه نسبت به کشورهای اروپایی دیرتر آغاز شد تا سده دوم قرن نوزدهم مناسبات سرواژ در روسیه مسلط بود. طبقه حاکمه از اشراف زمیندار تشکیل می‌شد که بخشی از تولیدات دهقانان را تصاحب می‌نمود. ویژگی فوق روسیه را از سایر کشورهای اروپایی متمایز می‌ساخت. زیرا در این دوران در اروپا مناسبات فئودالی رو به فروپاشی نهاده و یا مضمحل شده بود. در انگلستان تقریباً از سال ۱۷۶۰ انقلاب صنعتی آغاز شده بود^(۱) در آنجا قوه محرکه سرمایه‌داری، رشد آزادانه سرمایه‌های خصوصی و رقابت آن‌ها بود. پیشه‌وران و کارگران مستقلی که دارای حرفه‌های گوناگون بودند، با کسب مناسبات ماقبل سرمایه‌داری، برای فروش نیروی کارشان روانه بازار کار می‌شدند. بدین ترتیب صنعت کار مستقل گذشته، با فروش نیروی کارش، به عنوان کارگر مزدی به کار گرفته می‌شد. اما فرآیند صنعتی شدن روسیه بطور دیگری بود. اولاً منشاء شکل‌گیری طبقه کارگر روس، صنف صنعتگران نبود، بلکه رعایا (سرف‌ها) بودند. ثانیاً محرک توسعه صنعت، رشد آزادانه سرمایه‌های خصوصی و رقابت آن‌ها نبود، بلکه دولت تزاری بود.

دولت برای تأمین نیازمندی‌های نظامی و نیروی دریایی خود، کارخانه‌هایی

۱. رابازوف، مداخلی بر زندگی، آثار کارل مارکس، فردریک انگلس، ص ۲

تأسیس کرده بود. در کنار کارخانه‌های دولتی، کارگاه‌هایی نیز توسط زمینداران به منظور کار روی محصولات کشاورزی ایجاد شده بود. در همه این‌ها قوانین سرواژ و کار اجباری مسلط بود. کارگران متعلق به کارخانه محسوب می‌شدند و حق ترک آن را نداشتند. با آن‌ها رسماً هم‌چون سرف‌ها رفتار می‌شد. در این باره می‌توان به قانون ۷ ژانویه ۱۷۳۶ در زمان حکومت آنا ایوانوونا (Anna Ivanovna) اشاره کرد. طبق ماده ۵ این قانون، کارگرانی که محل کار خود را ترک می‌کردند، در هیچ‌جا حق اقامت و یا به کار گماشته شدن نداشتند. آن‌ها دستگیر و به همان کارخانه‌ای که از آن گریخته بودند، مسترد می‌شدند. اگر چنین کارگری "اصلاح‌ناپذیر" بود، صاحب کارخانه بعد از مجازات کافی او، می‌توانست جهت تبعیدش به مناطق دوردست اقدام کند.^(۲)

در سال ۱۷۶۲ تعداد ۹۸۴ و در سال ۱۷۹۶ تعداد ۲۴۶۱ واحد تولیدی در روسیه به ثبت رسیده بود. در همین مقطع یعنی آخر قرن هیجدهم صدها هزار

۲ اطلاعات این فصل به جز در موارد ذکر شده، عمدتاً از کتاب‌های زیر می‌باشد.

A. M. Pankratova, *Fabrikräte in Russland (Der Kampf um die sozialistische Fabrik)*, Frankfurt am Main, 1976, S. 49-163

Oskar Anweiler, *Die Rätebewegung in Russland 1905-1921*, 1958, S. 25-79 u. 121-124

از آن‌جا که کتاب اول یعنی "شماره‌های کارخانه در روسیه: مآززه بر سر کارخانه سوسیالیستی" یکی از مآخذ مهم مورد استفاده ماست، لازم است توضیح مختصری در باره نویسنده آن داده شود.

آنا میخائیلوونا پانکراتووا در سال ۱۹۱۹، زمانی که دانشجو بود، وارد حزب بلشویک گردید. او کتاب‌های زیادی درباره تاریخ جنبش کارگری روسیه نوشت. به عنوان پروفسور در دانشگاه مسکو و نیز در آکادمی علوم اجتماعی مشغول به کار بود. در سال ۱۹۵۲ به عضویت کمیته مرکزی حزب درآمد و در سال‌های بعد سر دبیر مجله حزبی «پروسی ایستوری» («مسائل تاریخی») شد. وی در سال ۱۹۵۷ درگذشت. کتاب مورد نظر ما برای اولین بار در سال ۱۹۲۳ در مسکو چاپ شد اما به زودی وارد لیست کتاب‌های ممنوعه گردید و در زمان استالین نه در روسیه و نه در کشورهای دیگر بلوک شرق اجازه تجدید چاپ نیافت.

کارگر در صنایع مکانیکی، نساجی و متالورژی مشغول به کار بودند. زمان کار کارگران پیش از روشنایی صبح آغاز می‌شد و تا یک ساعت بعد از تاریک گشتن هوا ادامه داشت. با این توصیف نسل اول کارگران روس، از سوی حاکمین حتی به عنوان کارگر شناخته نمی‌شدند. دولت، کارفرمایان و سرکارگران هم چون سرف‌ها با آن‌ها رفتار می‌کردند. کارگر بدون داشتن تجربه و سنت مبارزاتی، ناچار بود علیه شرایط برده‌وار خود و برای کسب هویت کارگری خویش بجنگد. بی‌حقوقی و فقر و فلاکت بی‌حد و حصری که به مثابه امر عادی و شکل متعارف زندگی کارگری تلقی می‌شد، موضوع اولین اعتراضات کارگران بود. این اعتراضات در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم عمدتاً به شکل شورش بروز می‌کرد.^(۳) و از این لحاظ بیشتر به جنبش‌های دهقانی شباهت داشت تا حرکات ویژه کارگری.

در جنبش کارگری روسیه، حق داشتن نماینده، برای اولین بار در سال ۱۸۰۰ مطرح شد. این مطالبه از سوی کارگران کارخانه دولتی «فربانوفسک» بیان گشت. کارگران خواستار انتخاب ۶ نماینده، به منظور نظارت بر نظم درون کارخانه و چگونگی پرداخت دستمزدها شدند. پس از مبارزه طولانی و سرسختانه کارگران، دولت در بخشنامه‌ای مطالبه آن‌ها را به رسمیت شناخت. با طرح و پیشبرد این خواسته، کارگران روسیه مسئله انتخاب نماینده را در تاریخ جنبش خود به ثبت رساندند. از این به بعد، این خواسته در مبارزات کارگری مطرح می‌شد. بنابراین سنت انتخاب نماینده در تاریخ جنبش کارگری روسیه سابقه دیرینه دارد.

۳- در اس‌باره بانکراتوا به ناآرامی‌های سال‌های ۱۷۹۶، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰ در کاران، ۱۷۹۷، ۱۸۰۶ در مسکو، ۱۸۱۱ در نامه ف، ۱۸۱۴ در کالمگا، ۱۸۰۶، ۱۸۱۵ و ۱۸۱۷ در یاروسلاول، ۱۸۱۶ در سن پترزبورگ اشاره می‌کند.

در سال ۱۸۲۵ نارضایتی و فشار کارگران، دولتی را که حاضر نبود آن‌ها را به عنوان کارگر به رسمیت بشناسد، به عقب‌نشینی واداشت. دولت در این سال برای اولین بار مقرراتی درباره مناسبات میان کارگر و کارفرما تعیین نمود. این مقررات گرچه کارگر را در موقعیت پست گذشته قرار نمی‌داد، ولی بهبودی چشمگیری در وضع او ایجاد نمی‌کرد. چنان‌چه طبق آن، کارگر اجازه نداشت قبل از اتمام قراردادش، کارخانه را ترک کند؛ در حالی که کارخانه‌داران حق داشتند هر زمانی که می‌خواستند کارگر را اخراج نمایند. علاوه بر این باید به این نکته نیز توجه داشت که هنوز قوانین سرواژ در جامعه معتبر بود.

در قرن نوزدهم تعداد واحدهای تولیدی چند برابر گردید. درحالی که تنها ۲۴۲۳ بنگاه تولیدی در سال ۱۸۰۹ در روسیه به ثبت رسیده بود، در اواخر دهه ۲۰ هجری، ۱۰۰۰۰ واحد تولیدی در این کشور وجود داشت. طبعاً با افزایش این واحدها، نیاز به نیروی کار نیز فزونی می‌یافت.

اصلاحات ۱۸۶۱

رژیم سرواژ در سال ۱۸۶۱ قانوناً لغو شد. الغای آن مهمترین رفرمی بود که در دوران فرمانروایی الکساندر دوم انجام گرفت. در همین راستا دولت کوشید موجبات رشد سریع صنایع را فراهم آورد. همان‌گونه که اشاره شد، توسعه صنعت در روسیه در قدم اول برای رفع نیازهای دولت تزاری صورت گرفت. هدف از آن، بازسازی و تجهیز ارتش، مدرن کردن سازوکار نظامی و نیروی دریایی و حفظ قدرت بین‌المللی دولت روسیه بود. برای همین هم خود دولت عمده‌ترین سرمایه‌گذار بود اقدامات دولت در جهت توسعه به گونه‌ای انجام می‌گرفت که با حفظ غالب مظاهر و روابط جامعه کهن هم‌خوانی داشته باشد.

به هر ترتیب با حذف قوانین سرواژ، کارگران قانوناً می‌توانستند، نیروی کار

خود را در "بازار آزاد" سرمایه به فروش رسانند. اما وجود "بازار آزاد" بهبود چندان در شرایط کار آنان ایجاد نکرد. دستمزدهای پایین، جرایم سنگین، ساعت کار طولانی و مهمتر از همه برخورد های خشن، اهانات و ستم کاری مدیران و کارفرمایان هم چنان باقی ماندند.

در این مقطع اعتراضات کارگری از حالت شورش درآمد به بودند. اولین اعتصاب سازمان یافته در جنبش کارگری روسیه در ۲۲ مه ۱۸۷۰ ثبت شده است. این اعتصاب در کارخانه ریسندگی نوا با خواست افزایش دستمزد رخ داد. کارگران نمایندگانی از میان خود برای پیشبرد اعتصاب و مذاکره با کارفرمایان برگزیدند. این نمایندگان دستگیر و به ۷ روز حبس محکوم گردیدند.

روشی که کارگران «نوا» برای سازماندهی اعتصاب خود ابداع کردند، یعنی انتخاب نماینده، بعداً در اغلب اعتصابات کارگری روسیه به کار گرفته شد. به مرور این روش به سنت جنبش کارگری روسیه تبدیل شد.

در سال های ۷۹-۱۸۷۸ اعتصابات برای بهبود شرایط کار صورت گرفتند^(۴) که معروف ترین آنها اعتصاب فوریه ۱۸۷۸ کارخانه جدید ریسندگی پترزبورگ بود. خواسته های کارگران علاوه بر لغای جریمه ها و کاهش زمان کار، به رسمیت شناختن نمایندگان کارگران بود.

رشد صنعت روسیه در سال ۱۸۹۰ شتاب فوق العاده ای به خود گرفت. دولت در اواسط دهه ۸۰ با تأسیس راه آهن زمینه آن را فراهم نموده بود. طی دهه ۱۸۹۱-۱۹۰۰ حجم سرمایه گذاری های خارجی در روسیه (چنان که در جدول شماره ۱ نیز مشخص است) افزایش چشمگیری نمود. تولیدات صنعتی روسیه در این مدت پیشرفت بی نظیری کرد. تعداد کارخانجات صنعت فلز ۹ برابر، کارخانه های بخش شیمی ۸ برابر و متالورژی ۴/۵ برابر شدند. تعداد کارگران

۴- آنوابلر تعداد اعتصابات از ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۹ را ۱۷۶ مورد می شمارد (همانجا، ص ۲۷)

صنعتی در سال‌های ۱۸۶۵ تا ۱۸۹۰ از ۷۰۶,۰۰۰ تن به ۱,۴۳۲,۰۰۰ تن و در سال ۱۹۰۰ به ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر رسید.

جدول شماره ۱ (۵)

افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در روسیه (به میلیون روبل)

سال	سرمایه داخلی	سرمایه خارجی
۱۸۹۳-۱۸۹۶	۱۰۴	۱۴۵
۱۸۹۷-۱۹۰۰	۱۱۲	۴۵۱
۱۹۰۱-۱۹۰۴	۲۰۹	۱۸۲
۱۹۰۵-۱۹۰۸	۳۳۹	۳۷۱
۱۹۰۹-۱۹۱۱	۹۱۳	۲۸۴

در همین دوره درصد اندکی از کارگران صنعتی روسیه هنوز به روستا وابسته بودند. طبق تحقیقاتی که از سال ۱۸۸۳ تا ۱۸۹۳ توسط بازرسان منطقه مسکو از ۱۲۶۳ بنگاه تولیدی صورت گرفت، ۸۲ درصد کارگران در تمام طول سال در آن بنگاه‌ها کار می‌کردند. تنها ۱۸ درصد آنان تابستان‌ها محل کار خویش را جهت کار روی زمین کشاورزی ترک می‌کردند.

گسترش سرمایه‌داری از یک سو باعث تمرکز کارگران در واحدهای عظیم تولیدی می‌شد و از سوی دیگر سبب گسستن کارگران از گذشته و ریشه‌های دهقانی خود می‌گشت. چنین تحولی تلقی کارگر از زندگی و شرایط کارش را دگرگون می‌نمود. او دیگر به راحتی حاضر به پذیرش بی‌حقوقی خود در کارخانه

۵- جدول از منبع زیر اخذ شده است

Richard Lorenz, Anfänge der bolschewistischen Industriepolitik, 1965, S. 11

نبود و برای رفع آن پیگیرانه مبارزه می‌کرد.

بدین سبب در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اعتراضات و اعتصابات کارگری^(۶) از محتوای عالی‌تری برخوردار شدند. تلاش‌های کارگران دولت را وادار به عقب‌نشینی‌هایی می‌کرد. تصویب "قانون حفاظت" در سال ۱۸۸۶ یکی از این عقب‌نشینی‌ها بود.^(۷) طبق این قانون کار شبانه زنان و کودکان ممنوع شد. پرداخت دستمزد جنسی قدغن گردید و کسر نمودن دستمزدها به خاطر کمک‌های درمانی و صدمه زدن به وسایل کار ممنوع گشت. این قانون البته امتیازاتی که در زمان خود حائز اهمیت بودند به کارگران می‌داد و حتی بازرسان را موظف می‌نمود بر شرایط کار نظارت کنند. ولی طبق آن تعیین شرایط کار و مناسبات میان کارگر و کارفرما هم‌چنان حق کارفرما محسوب می‌شد. بدین ترتیب در سه عرصه تعیین مجازات‌ها و جرایم نقدی، تصمیمات خودسرانه مدیریت و نیز به رسمیت شناختن نمایندگان کارگران در کارخانه، کارگران هیچ

۶ - تعداد اعتصابات از سال ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰، ۱۶۵ مورد ثبت شده است. (مجموع شده به آردوایل، همانجا، ص ۲۷).

۷ - بازگوانا می‌نویسد یکی از مهمترین اعتصابات دهه ۹۰ که به تصویب این قانون را تسریع نمود، اعتصاب کارخانه تی اس موروزوف (T. S. Morozov) در نسجه نسجه روسیه است. اعتصابات از طرف کمیته اعتصابات منتخب کارگران سازماندهی شده بود. خواسته‌های کارگران به قرار زیر بودند: ۱- تغییر فوری مناسبات کاری میان کارگران و کارمندان ۲- انتخابات آزادانه رئیس سفیدان کارگران در کارخانه‌ها حداکثر برای مدت سه ماه، با آنان از این جایگاه برای بهبود موقعیت شخصی خود سوءاستفاده نکنند ۳- سه روز به حساب ماهانه ۴- سرکوبی از درجه کارمندان، اسنادکاران و سرکارگرانی که کارگران مصلحت می‌بینند "کارفرمایان حتی برای مدت کوتاه با کارگران نیامدند و بی‌درنگ خواستار اعزام قوای نظامی به محل کارخانه شدند. هنگامی که نظامیان در صدد به دند نمایندگان کارگران را دستگیر کنند، سایر کارگران کارخانه متحداً به کمک آن‌ها شتافتند و با چماق و میله‌های آهنی قصد نجات آنان را داشتند. علیرغم این همسنگی و مقاومت، کارگران سرکوب و ۸۰۰ تن از آنان تبعید شدند. اگرچه سه‌ری با آنان بود ولی این اعتصابات و روند آن تأثیر بسزایی روی رشد جنبش کارگری روسیه داشت (مجموع شده به همانجا، ص ص ۷۰-۶۹).

امتیازی به دست نمی آوردند.

اعتصابات سال ۱۸۹۶ سرآغاز واقعی جنبش توده‌ای کارگران بود. تنها در عرض سال‌های ۹۷-۱۸۹۶ در ۲۶۳ کارخانه ۸۹۰۰۰ کارگر اعتصاب کردند. اکثر اعتصابات که با خواسته‌هایی مانند لغای مجازات‌ها و یا علیه اقدامات ستم‌گرانه مدیریت صورت می‌گرفتند، توسط پلیس و نیروهای نظامی سرکوب می‌شدند. جدول شماره ۲ میزان موفقیت و یا ناکامی کارگران در این قبیل اعتصابات را نشان می‌دهد.^(۸)

جدول شماره ۲
نتیجه اعتصابات (درصد)

دلیل اعتصاب	به نفع کارگران	به نفع کارفرمایان	بوافق دو طرف
علیه مجازات‌ها و کم کردن دستمزدها	۲۳/۵۷	۶۹/۲۳	۷/۶۹
علیه خودسری مدیریت	۲۷/۲۷	۵۸/۴۴	۱۴/۲۸

اشکال تشکلیابی کارگران از ۱۸۶۱ تا ۱۹۰۰

اولین تشکل‌های کارگری صندوق‌های تعاون نام داشتند. این صندوق‌ها قانوناً در ۸ ماه مه ۱۸۶۱ تأسیس شدند. تشکل‌های مزبور حق بیان عقیده پیرامون مناسبات کارگران و کارفرمایان را به رسمیت می‌شناختند و عضویت همه کارگرانی که برای مدت حداقل یک سال قرارداد کار در کارخانه را به امضاء می‌رساندند، می‌پذیرفتند. وظیفه آنان عبارت بود از: ۱- تلاش در جهت رفع اختلافات میان کارفرمایان و کارگران، و تعیین میزان جرایم نقدی؛ ۲- پرداخت

۸- وانکراو، همانجا، ص ۷۶؛ جدول شماره ۲ از روی اطلاعات همین کتاب رسم شده است.

پول بازنشستگی و یا کمک‌های نقدی به کارگران نیازمند می‌توان گفت آنان به نوعی وظیفه بیمه بازنشستگی و دادن کمک اعتباری به کارگران را به عهده داشتند. در عین حال بخشی از وظایف کادر اداری را انجام می‌دادند. در رأس صندوق تعاون یک دفتر اجرایی قرار داشت. در آن ۴ نماینده از طرف کارگران به ریاست فردی که از سوی مدیریت کارخانه انتصاب شده بود، امور صندوق را می‌چرخاندند.

اما قدرت واقعی کارگران نه از طریق تشکلهای قانونی، بلکه توسط سازمان‌یابی غیرقانونی اعمال می‌شد. روش کارگران برای پیشبرد امور خود، انتخاب نمایندگانی از میان خودشان بود. نمایندگان غالباً در جریان مبارزات کارگری و با هدف پیشبرد اعتصاب و یا خواسته‌های معینی به صورت عاجل انتخاب می‌شدند. این نمایندگان، بستگی به نوع و مرحله مبارزه کارگران، وظایف و نام‌های متفاوتی داشتند. کمیته‌های اعتصاب که خصلت موقت داشتند، هنگام سازماندهی اعتصابات شکل می‌گرفتند و نقش آنها پس از حل و فصل اختلافات پایان می‌گرفت. کمیسیون‌ها و یا مجمع ریش سفیدان کارخانه خصلت پایدارتری داشتند. ولی کارگران در این مقطع کمتر موفق به تشکیل نهادهای دائمی‌ای از این نوع می‌شدند. اکثراً همان کمیته‌های اعتصاب وظیفه تدارکات، سازماندهی امور اعتصاب، تشکیل صندوق اعتصاب، انعکاس خواسته‌های کارگران، پیشبرد مذاکرات با کارفرمایان و ... را به عهده داشتند. به دلیل خفقان حاکم نمایندگان کارگران دائماً در معرض دستگیری، زندان و تبعید قرار داشتند. کار به جایی رسیده بود که در بعضی از کارخانه‌ها نیروهای انتظامی به شکل دائمی مستقر می‌شدند تا هرگونه اعتراضی را در نطفه خفه کنند.^(۹)

۹- به عنوان مثال پس از سرکوب اعتصاب معروف کارخانه‌های اتم خوف در سال ۱۹۳۱، ۱۰۰۰ نفر از کارکنان آن به زندان و تبعید فرستاده شدند.

علیرغم این اقدامات بازدارنده، کمیته‌های اعتصاب پیوسته تشکیل می‌شدند. آن‌ها شکل عمومی و مرکز ثقل سازماندهی کارگران در مواقع اعتصابات بودند.

سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵

اعتراضات کارگری علیه رفتار بد کارفرمایان در اولین سال‌های قرن بیستم ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت.^(۱۰) شدت سخت‌گیری و ستم‌کاری کارفرمایان زمینه را برای ارتقای مبارزات کارگری به عرصه‌های سیاسی آماده می‌نمود. از آن‌جا که این دولت بود که هرگونه تلاش کارگران برای سازماندهی و پیشبرد خواسته‌های جمعی‌شان را به شدت سرکوب می‌نمود، مدام تعداد بیشتری از کارگران به فعالیت‌های ضد دولتی روی می‌آوردند. رشد تمایلات سیاسی کارگران از نظر دستگاه حاکمه پوشیده نبود. دولت با هدف مهار نمودن مبارزه سیاسی کارگران و انزوای گرایش‌های رادیکال در میان آنان، طرحی را به مورد اجرا گذاشت. این طرح توسط زوبیاتوف^(۱۱) تهیه شده بود و معروف به "زوبیاتوفیسم" یا "سوسیالیسم

(ادامه زوبیاتوف در صفحه ۸۹)

سرمه‌های نظامی به کارخانه‌های بطرز به رنگ اعرام شدند و حشمت از جمله کارگران به استادکاران به حدی بود که در کنار هر استادکاری ۲ تا ۳ سرپار گذاشته شده به دیدن کارگران را تحت نظر داشتند (بانکراتووا، همانجا، ص ۸۹-۸۸).

۱۰. طرح گرایش‌های رادیکال کارخانه‌ها، شکایت‌های کارگران به علیه رفتار بد کارفرمایان که در سال ۱۹۰۱ به ۱۶۱ مورد محدود می‌شد، در سال ۱۹۰۲ به ۲۱۴۶ مورد بالغ گشت (بانکراتووا، همانجا، ص ۸۷).

۱۱. سرگی واسیلیویچ زوبیاتوف Sergei Vasilievich Zubatov (۱۸۶۳-۱۹۱۷) در مسکو متولد شد. از دوران دبیرستان ادبیات انقلابی می‌خواند و گروهی را تشکیل داد. توسط یکی از دوستان خانوادگی‌اش به نام وی. ان. ماروزوف (V. N. Marozov) با محافظ انقلابی ارتباط داشت. همکاری او با پلیس از حدود ۱۸۸۳ شروع شد. از سال ۱۸۸۶ با نفوذ در محافظ انقلابی (ادامه زوبیاتوف در صفحه بعد)

پلیسی "گردید. طبق آن در هر کارخانه کمیته‌ای تشکیل می‌شد که اعضای آن بطور مستقیم از میان کارگران زن و مرد انتخاب می‌شدند. وظیفه این کمیته توجه به بهبود وضعیت کارگران در زمینه دستمزد، مالیات، ساعات کار و نظم درونی کارخانه بود. همچنین صاحب کارخانه به جای این که خود مستقیماً رودرروی کارگران قرار بگیرد، مسائلی را توسط کمیته‌های هر کارخانه مطرح می‌نمود. قانوناً کمیته‌های هر منطقه با یکدیگر حق ائتلاف داشتند و می‌توانستند به عنوان نماینده رسمی کارگران عمل کنند. یک کمیسیون مخفی که زیر نظر پلیس بود، بر کار کمیته‌ها نظارت می‌نمود.

در سال ۱۹۰۱ کمیته‌های زوباتوفی در مسکو و برخی دیگر از شهرهای روسیه مانند ادسا، خارکوف، کیف و مینسک تشکیل شدند. یکی از مهمترین تشکلات زوباتوفی "سازمان کمک متقابل صنعت مکانیک" بود که در همین سال در مسکو به وجود آمد.

کمیته‌های زوباتوفی علیرغم نیات طراحان آن نه تنها سبب تنزل مبارزات کارگران نگشتند، بلکه باعث تقویت سازمان‌یابی کارگران و کمک به تشکیل کمیته‌های اعتصاب شدند. به دنبال فعالیت آن‌ها، اعتصابات بسیاری در سال ۱۹۰۲ سازماندهی شد. تعداد اعتصابات و نیز مضمون خواسته‌هایی که در آن‌ها مطرح می‌شد، سرمایه‌داران را به وحشت انداخت. استفاده کارگران از کمیته‌های زوباتوفی به نحوی بود که می‌رفت به وحدت سرمایه و حکومت ضربه وارد شود.

(ادامه باورفی از صفحه قبل)

مسکو، می‌کوشید آن‌ها را متلاشی کند. در اواسط دهه ۱۸۹۰ که جنبش کارگری در حال رشد بود، نقش وی به عنوان جاسوس در میان جریانات سیاسی، اهمیت بیشتری یافته از حد معمول فعالیت‌های پلیسی وی عبارت بود. او از شناسایی مستعدان سک مخالفین، کمک به توقیف سریع و مؤثر مظنونین، آشنا ساختن نیروهای پلیس به ادبیات انقلابی و آموزش روش‌های دسوسه‌چینی مدتی بعد از سال ۱۸۹۵ به ریاست دایره پلیس سیاسی مسکو منصوب شد و در این مقام مدتی معروف خود (کمیته‌های زوباتوفی) را بنیاد کرد.

صاحبان صنایع در بیانیه‌ای به وزارت دارایی چنین شکوه کردند: "هدف از پیشنهاد ایجاد تشکلات رسمی به کارگران، منحرف کردن آنان از فعالیت سیاسی علیه حکومت می‌باشد. در حالی که ثابت شده است که فراهم نمودن امکاناتی برای فعالیت کارگران علیه سرمایه‌داری به همان اندازه [فعالیت ضد حکومتی] خطرناک می‌باشد. کنار آمدن با توده‌هایی که موفقیت‌های مشخصی را در حرکت خود به دست آورده‌اند، اگر نگوییم غیرممکن، دست کم فوق‌العاده مشکل است."^{۱۲}

طی سال‌های ۱۹۰۲-۱۹۰۳ جنوب روسیه شاهد موجی از اعتصابات بود. تعداد اعتصابیون را ۲۲۵۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند. در آنجا هم مبارزه برای خواسته‌های اقتصادی به مبارزات سیاسی ارتقاء می‌یافت. در برخی نواحی اعتصابات به تظاهرات توده‌ای تبدیل می‌گشت و پلیس و ارتش برای سرکوب آنها گسیل می‌شدند.

به این ترتیب با استقبال کارگران از "کمیته‌های زوباتوفی" و استفاده از آنها در جهت منافع خود، دولت نتوانست به هدف خود که همانا مهار نمودن جنبش کارگری بود، نائل آید. به همین دلیل طرح زوباتوف با شکست روبه‌رو شد و به تدریج حق فعالیت از کمیته‌های مذکور سلب گردید. آخرین تشکلات زوباتوفی در اواخر سال ۱۹۰۳ منحل شدند.

در همان سال‌ها تلاش دیگری توسط حکومت برای مقید ساختن جنبش کارگری در چارچوب قانون آغاز شده بود. این بار مسئله بر سر به رسمیت شناختن نمایندگان دائمی کارگران در کارخانه‌ها، با هدف بی‌خطر نمودن آنها بود. با هدف کنترل مبارزه کارگران، نهاد دائمی‌ای به نام "کنفرانس پیرامون اقدامات لازم جهت حفظ آرامش در کارخانه‌ها" در وزارت دارایی تأسیس شده